

جلسه هشتم سرکار خانم همیز

بسم الله الرحمن الرحيم ... الی قیام یوم الدین

وقتی از عمرمان آن دنیا حساب می کنند بایستی یک چیزی برده باشیم که آن ها بپذیرند و آنجا خیلی سخت می پذیرند. شما این کتاب ۳ دقیقه در قیامت را که می خوانید واقعاً وحشت می کنید. در عرب ها قبل از اسلام ۸ مدل ازدواج بود که تمام این چیزهایی که الان شما در اروپا و آمریکا می بینید، ازدواج سفید، همان ازدواج ... جاهلیت است. عرب ها یک چیزهای غیرتی هم داشتند. اگر یک دختری را از قبیله ای می گرفتند خواهر آن دختر را هم برای برادر این پسر می گرفتند، که اگر این آقا بخواهد دخترشان را طلاق دهد، آن برادر هم خواهر این آقا را طلاق دهد. هنوز هم متأسفانه در حاشیه ایران هست. هنوز این ها قبیله ای زندگی می کنند. شهید همدانی در صلح قبیله ها آخر شهیدش کردند، ازدواج که در قبل از اسلام بوده حضرت محمد (ص) می فرمایند النکاح سنتی، ازدواج نکاح سنت من است. چجوری است؟ خطبه عقد خوانده می شود با این الفاظ، وقتی این خطبه خوانده می شود همان لحظه در بین آسمان و زمین ملائکه ثبت تان می کنند و شما تا آخر عمرتان اگر طلاق از هم نگرفته باشید، زندگی تان مشترک تدوین شده. زن و شوهر هر دو باهم خوب باشند روزی زیاد است. منتها اگر شوهر چشم چران باشد روزی اش کم باشد از خانمش کم نمی شود. چرا؟ چون خدا روزی زن اش را می رساند. زن اش پاکدامن، عفیف، خوب. خداوند درها را برای آن زن باز می کند. می گوید پس چرا این دو با هم متفاوت است؟ به خاطر این که نفقه زن در عقد دائم بر شوهر واجب است. نفقه زن ثروتمند بر شوهرش واجب است. نفقه زن کارمند بر شوهرش واجب است. نفقه دین است. اگر مرد نپردازد روز قیامت از اعمال قبول اش بر می دارند به زن اش می دهند و چون نفقه بر مرد واجب است بنابراین روزی خانم را خدا به دست آقا می دهد. منتها اینجا برای این که آن آقایان را وادار کند که نفقه زن ها را بدهند و بخل نورزند و بدجنسی نکنند، باید آموزش شان بدهیم.

هدف این است که بچه های تان خوب تربیت شوند. الان ثابت شده پدر و مادر که خوب باشند بچه ها فوق العاده خوب می شوند چرا؟ چون یک مدیری مثل پدر بالای سرشان است که در کارهای اجتماعی نمی توانند هر غلطی بکنند، یک مهربانی مثل مادر بالای سرشان است که در خانه بارانداز دارند می توانند یک تفریحاتی داشته باشند. به هر حال این دو مکمل هم برای تربیت فرزند می شوند. ولی وقتی شما همه اش باهم جنگ و دعوا دارید بچه ها آن مهربان را در خانه ندارند می روند از بیرون تهیه می کنند اگر دو زن و شوهر مذهبی باشند باهم تفاهم نداشته باشند بچه هایشان بزهکار می شوند. چرا چون پسر بیرون می رود خودش را با لذت های بیرون سرگرم می کند. می گویند شما به محضی که ازدواج کردید دیگر سفرتان آغاز می شود. در این سفر، هر کسی باید بار

خودش را بردارد و غلام و کنیزها در اسلام نداریم. نه زن کنیز آقااست و نه آقا غلام زن است. هر کدام در هویت خودشان عزیزند و پیش خدا محترم‌اند و بعد هم حرکت می‌کنند برای این که آینده‌شان را با هم طراحی کنند. بعد هم خداوند به آن‌ها برکت می‌دهد. گفتیم در دنیا روزی‌هایشان باهم مشترک است.

روزی فقط پول و خوراک و این‌ها نیست. روزی‌های علم و دین و تقوایی. واقعاً خداوند برایشان تدارک می‌کند. بعد پیش آمدهای خوب و بد هم برایشان مشترک است. می‌گفتیم مثلاً خانم گناه که می‌کند باید یک بلایی سرش بیاید. خوب این بلایی که سرخانم می‌آید، آقا هم درگیر می‌شود، آقا یک گناهی می‌کند باید یک بلایی سرش بیاید، خانم درگیر می‌شود. مثل این که حضرت محمد^(ص) پس از نماز یک داستانی را تعریف می‌کردند که عده‌ای در کشتی سوار شده بودند، یک شخصی شروع می‌کند به سوراخ کردن زیر پای خودش. بعد بقیه اعتراض می‌کنند می‌گویند چکار داری می‌کنی؟

می‌گوید: به شما چه مربوط است، اگر آب در کشتی بیاید، همه غرق می‌شویم. واقعاً هم همین‌طور است. زن اگر دچار گناهی شود مخصوصاً زنانی که غیبت می‌کنند، گوشت مرده می‌خورند، این باعث می‌شود که از عبادت محروم شوند. معمولاً نمازهایشان را از دست می‌دهند. وقتی نماز از بین می‌رود، نظم از بین می‌رود، نظم که از بین برود خانه نظافت ندارد، بیماری در آن می‌آید، حتی جانوران عصبی هم در این خانه‌ها پیدا می‌شوند. مثل پنجره‌ای که شما توری می‌زنید که پشه نیاید، یک سوراخ که می‌شود یک پشه می‌آید زندگی را متلاطم می‌کند. بنابراین پیش آمدهای خوب و بد دقیقاً به هم ربط دارد. تعداد فرزندان هم همین‌طور. اگر شما مواظبت کنید بر تعداد زیاد فرزندان، خداوند به شما عطا می‌کند. حتی دیدم زن و شوهر مؤمنی که تا ۱۸ سال بچه‌دار نشدند. بعد، این آقا مرد بسیار سالمی بود از نظر باطنی. به دنبال عرفان و استاد و این‌ها می‌رفت. خیلی هم مورد شماطت فامیل‌هایش بود که تو این همه رفتی چرا دری برایت باز نشد. آخر سر خدا به او بچه داد چه بچه‌ای، الله اکبر، به شدت باهوش. اگر حتی در بحث روزی هم حساب کنید شاید خانم روزی بچه نداشت، ولی به واسطه شوهرش خداوند به ایشان بچه داد.

در برزخ، متفاوت است. دنباله دنیا است. این نیست که تمام شود. در قوانین اسلامی، خانمی که همسرش به رحمت خدا می‌رود، چهار ماه و ده روز باید عده نگه دارد. یک عالمه هم برایش قانون داریم. موهایش را نباید رنگ کند. آراستگی ممنوع. از خانه بیرون نرود. چرا این قدر سخت‌گیری؟ به جهت این که شوهر مُرده. با طلاق از او جدا نشده که نفرت داشته باشد. چون خانمش را هنوز دوست دارد به محض این که وارد برزخ می‌شود تمام حرکات زندگی‌اش برایش رنج آور است. هر نوع اتفاقی در غیاب او در خانه‌اش می‌افتد برایش رنج آور است. اسلام به شوهر احترام می‌گذارد. حق ندارد تمام آن چیزهایی که در قبل بوده الان انجام بدهد آن زن، حق ندارد از خانه بیرون برود. چرا؟ چون نامحرم او را ببیند، به او طمع می‌کند. جالب است. در قرآن می‌فرماید اگر حتی به اشاره‌ای این زن را کسی خواستگاری کند تا ابد بر او حرام است. چرا؟ چون اشاره این مرد، روح آن مرد

را در دنیا آزرده می‌کند.

فرق بد دل با آدم غیرتی خوب چیست؟ این است که خودش چشمش پاکیزه است. مردانی که چشم پاک‌اند، وقتی به شما می‌گویند نکن، این‌ها درست می‌گویند. کسی که خودش به زنان دیگر نگاه می‌کند و به زنش می‌گوید نگاه نکن، بد دل و مریض است.

چرا در برزخ زن و شوهر هنوز زن و شوهر هستند؟ به خاطر این که قوانینی که خداوند طراحی کرده در عقد دائم، ادامه دارد. گاهی مواقع هم زن از شوهرش راضی نیست. از نظر سرد مزاجی، از نظر بی تفاوتی. مسیر زندگی مشترک این است که مسائل جنسی‌شان را به شدت مراقبت کنند. در حدیث داریم اگر زنی به شوهرش پاسخ نه بدهد، در تقاضای جنسی او تا صبح ملائکه نفرینش می‌کنند و برعکس هم اگر مردی به زنش بی‌اعتنایی کند و او را اذیت کند و قهرهایش را بر مسائل جنسی بگذارد تا صبح ملائکه نفرینش می‌کنند. امام سجاد علیه‌السلام وقتی در بحث حقوق همسر در رساله حقوق صحبت می‌فرمایند اول حقوق زن را می‌شمارند و خیلی به مرد سفارش می‌کنند که او در تملیک توست. زن چون محدودیت دارد به خاطر طهارت نسل، باید یک همسر داشته باشد.

امام می‌فرماید بدان که این زن در تملیک توست و باید اکرامش کنی و غذا و لباس را چنین و چنان کنی و با او این‌طوری مدارا کنی. در آخر می‌گوید: آن چیزی که توی مرد به زن حق داری، زن باید لذت تو را فراهم کند که چاره‌ای ندارد. یعنی یک موقع زن خسته است یا جون ندارد. مثلاً می‌گویند خانم‌ها یه موقع این قدر کار کردیم لِه هستیم می‌رویم توی رختخواب تازه ایشان تقاضا دارد. همین است که می‌گوید سخت‌ترین قسمت برای زن این است و قوتی نیست مگر این که خدا به شما کمک کند. پس در زندگی مشترک وقتی ما خوب واکاوی می‌کنیم می‌بینیم مردها از نظر جنسی، زن‌شان را تأیید نمی‌کنند که با او نا سازگارند. به خانواده‌اش گیر می‌دهند، به او سخت می‌گیرند خیلی او را اذیت می‌کنند. تو نمی‌فهمی چه می‌خواهد! فهم این مسئله واقعاً سخت است، برای زن‌ها. روز خودشان را هم مبرا می‌کنند می‌گویند خانم ما همه جور ... نه نه، همان جور که او می‌خواهد و طلب می‌کند و تقاضا دارد. مثلاً می‌رویم مهمانی، از ما می‌خواهد. خوب بله، به او خوش گذشته می‌خواهد باز هم خوش بگذرد! من باید غسل را مواظبت کنم که چطوری غسل کنم که لباسی چیزی همراهم داشته باشم یا یک ساعتی نیمه شب پاشوم بروم غسل کنم.

حتی ما نگاه می‌کنیم خیلی از این پزشک‌هایی که بحث مزاج را دارند می‌گویند خانم غذاهای ناجور می‌پزد مزاج شوهرش بد است! یک آقای طب سنتی می‌گفت یک زن و شوهر، آمدند پیش من. خانم خیلی شکایت می‌کرد از سرد مزاجی شوهرش... گفتم خوب، شما غذایی شبانه روزتان را به من بگویید. گفت: صبح آقا من یک سفره برایش می‌چینم نون پنیر خیار گوجه بعد ناهار این‌طوری گفتش من وقتی همه را گفتم، گفت: این‌ها همه غذاهای سرد است. خوب این مرد پس می‌افتد! این چه غذایی است تو به او می‌دهی؟ از قدیم می‌گفتند

چای دارچین بخورید. چرا؟ چون دارچین طبع را به گرم برمی گرداند یا مثلاً غذاهایی مثل سیر ترشی ۷ ساله. در خانه ها رواج داشت. چرا؟ ترشی خودش سرد است ولی سیر گرم است. این ها مصلح هم می شوند. این ها برمیگردد به نوع پذیرایی های ما، به نوع ایجاد آرامش درون خانه. در بحث قیامت، می گویند خانوادگی شما را به بهشت می بریم. ما از آن بهشت شما را بیرون نمی کنیم. اون بهشت قبل از این عالم بود که حضرت آدم بیرون شد. آنجا دیگر... ولی بهشتی که الان شما وارد می شوید دیگر خالدین فیه است. پدر و مادرانی که صالح باشند. همسران، بچه هایتان. نوه هایتان.

من یک تحقیقی اخیراً دربارهٔ سورهٔ کهف داشتم خیلی حدیث عجیبی را دیدم. در آنجا داستان حضرت کهف را شنیدیم که می رود دیواری را تعمیر می کند بعد حضرت می گوید: آقا، این ها که حتی یک لقمه غذا هم به ما ندادند، شما بدون مزد رفتی برایشان کارگری هم کردی؟ که حضرت خضر می گوید دیگر تمام شد دیگر من با تو کار ندارم. بعد می گوید یک گنجی اینجا بود. من از طرف خدا دستور داشتم که اینجا دیوار بسازم اینجا این گنج بماند تا بچه ها بزرگ شوند.

الله اکبر، پدر و مادر این ها که می گوید صَلَّحَ آبائهم مال ۷۰۰ سال پیش بودند. در حدیث داریم پدر و مادری خوب باشند تا ۱۰۰۰ سال خداوند بچه ها و نوه ها و ذریه شان را تحت حمایت می گیرد.

آدرس این حدیث کتاب قرآن حکیم از آیت الله مکارم شیرازی و تفسیر برهان از امام صادق علیه السلام سؤال می کنند آقا آن گنجی که زیر این بود، چه بود؟ ایشان می فرمایند: آن گنج یک لوح بود. لوح وحده لاشریک له در بارهٔ پیغمبر و ائمه علیهم السلام بود. یک لوح طلا بود که بر آن، این را نوشته بودند.

این لوح طلا بود، ولی نوشته اش مهم بود، به آن ها می گویند خوش آمدید، سلام بر شما، سلامتی باشد، با شما ما وارد می شویم. اینجا وقتی می گوید ملائکه با آن ها در روز قیامت وارد می شوند، در قرآن هم در سورهٔ فصلت داریم خداوند در آیه ۳۰ این سوره می فرماید: کسانی که در دنیا بر دین استقامت می ورزند، (استقامت بر دین، با این دین دار بودن فرق می کند مثلاً شما دین دارید، به دُبی می روید لباس هایتان را عوض می کنید مثلاً مانتو می پوشید، می گویند من حالا اینجا آمدم با چادر بروم انگشت نما می شوم) کسانی که می گویند پروردگار ما خداست بر این دین شان استقامت می کنند یعنی در انواع و اقسام تحولات فصل گرما و سرما و سختی و آسانی و داغ دیدن و خوشی دیدن و پول دار شدن و غیره، دین شان را حفظ می کنند، می فرماید همین الان ملائکه بر این ها نازل می شوند به آن ها می گویند، همین الان ملائکه در خانه شان می آیند، نه این که بعداً می آیند، یعنی می پذیرند که وارد بشوند این ها به مؤمنین می گویند: شما نترسید. اصلاً این آیه می گوید کسانی که بر دین استقامت می کنند، ترسی ندارند.

آدم فیلم قاسم سلیمانی را که نگاه می کند، می بیند او جلو می پرد در صحنهٔ نبرد، بچه ها او را عقب می کشند!

اینجا می گویند نترسند، چون ملائکه به آن ها می گویند نترسید. بعد می گوید: غصه نخورید، بشارت به شما به بهشتی

که بر شما وعده داده شده، در آیه بعد می گوید **نَحْنُ أَوْلَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا**، وقتی شما اخلاقت با همسر و بچه هایت خوب است، و بر مدار اسلام حرکت می کنی، ملائکه همین الان در خانه ات هستند. می گوید وقتی شما با پدر و مادر و همسر و بچه ها و نوه هایت وارد بهشت می شوید، ملائکه هم با شما می آیند. اینجا سوره فصلّت آیه ۳۰ و ۳۱ می فرماید: آنچه را که شما الان از خدا بخواهید خدا به شما می دهد، این یک پذیرایی از طرف خداست که غفور و رحیم است، یعنی خدای غفور و رحیم به ما عطا می کند. نه این که من لیاقت داشتم این بهشت است خوش به حالم، نخیر. پس، در قیامت چنین جایگاهی برای ما هست.

ما اگر قیامت را همین الان برای بچه هایمان زیبا جلوه بدهیم، مخصوصاً بچه های شما، خیلی نیاز دارند که خدا را حاکم و ناظر ببینند، رضایت او را جلب کنند، نگویند: مامان، تو راضی شدی از من؟ بگو: ان شاء الله عزیزم خدا از تو راضی شود. اگر خدا از تو راضی شود، من هم راضی هستم. مثلاً در قرآن در سوره مریم داریم وقتی زکریا صحبت می کند از خدا بچه می خواهد می گوید خدایا یک بچه به من بده خودت از او راضی باشی. ما خیلی بچه داریم خدا از آن ها راضی نیست. نمازهایشان قضا می شود، آداب دین را اجرا نمی کنند، و چیزهایی که خودتان هم بهتر می دانید.

پس گفتیم زن و شوهر هم سفرند تا بهشت در دنیا، در برزخ و تا قیامت، شما هم سفر هم هستید. من یک تحقیقی کرده بودم که چرا زن و شوهر وقتی از هم طلاق می گیرند حدود سه ماه (تقریباً ۱۰۰ روز) زن باید عده نگه دارد. می گوید تا ۳ ماه در خانه خودت باشد، اما مثل قدیم نفقه اش را بده، بعد به هم نامحرم هستید. خانم باید حجاب داشته باشد با تو زندگی کند در رختخواب باحجاب بنشیند، آقا خرید کند، خانم هم آشپز می کند، باهم بنشینند بخورند ولی این با حجاب است او هم حق ندارد به این دست بزند! چرا خدا چنین می کند؟ چون آن مرد، یک مرتبه آن خشم و غضب اش را فرو بکشد و بگوید آقا من نوکرتم بفرما باهم آشتی می کنند. دیگر به هم حلالید، تمام شد. چرا؟ چون اسلام می خواهد زن و شوهر به هم برسند، از قدیم هم می گفتند زن و شوهر دعوا کنند، ابلهان باور کنند. دعوایشان ثانیه ای است. دوباره میل به هم پیدا می کنند می خواهند سر زندگی برگردند. بعد من آروم یک بررسی کردم چرا ۱۰۰ را خداوند در قوانین ما گذاشته (سه ماه تقریباً می شود ۱۰۰ روز) این آیه را دقت کنید، در قرآن می فرماید زن زناکار و مرد زناکار را هر کدام شان را ۱۰۰ تا زیانه بزنید، طوری هم بزنید که بدون رأفت باشد چون او ناله می زند. یک موقع شما به یک فقیر کنار خیابان پول می دهید، یک موقع بچه کوچک سینه اش دارد شیر می خورد، تو نمی توانی پول ندهی، می گویی این زن یک چیزی بخورد به بچه اش شیر بدهد. رأفت پیدا می کنید. رأفت یک مقدار از رحمت عمیق تر است. این دین خداست که آن ها باید تازیانه بخورند اگر تو ایمان به خدا و روز آخرت داری، این کار را می کنیم. اگر رأفت تو را بگیرد، یعنی ایمان به خدا نداری. عده ای از مؤمنین هم باید این ها را بزنند. حالا آیت الله جوادی آمل می فرمایند چرا در

اینجا اسلام تعداد تازیانه را مساوی گفته؟ و چرا عدد ۱۰۰ را گذاشته برای آن؟ اینجا نکته خیلی مهم این است که این خطبه‌ای که می‌خوانند به هم حلال می‌شوند این خطبه را نمی‌خوانند حرام می‌شوند، چون این‌ها به ۱۰۰ اسم خدا پشت کردند و چنین معصیتی انجام دادند باید هر کدام ۱۰۰ تازیانه بخورند. می‌گویند ۱۰۰ اسم خدا یعنی چه؟ امام صادق^(ع) می‌فرماید: ۱۰۰ اسم توقیفی از خدا در قرآن است. وقتی شما قرآن می‌خوانید، ۱۰۰ اسم خدا را به زبان می‌آورید.

توفیقی یعنی چه؟ مثلاً شما نمی‌توانی به خدا بگویی عالم، باید بگویی علیم. به خدا نمی‌توانی بگویی سامع، باید بگویی سمیع. چرا نمی‌توانی بگویی عالم؟ چون خدا اعوذ بالله قیلاً جاهل بوده الان عالم شده، چون انسان‌ها اول جاهل اند بعد عالم می‌شوند، باید بگویی علیم چون علم در خدا نفهته است، نه این که از بیرون آمده باشد. تو به خدا نمی‌توانی بگویی معلم، باید بگویی علیم. چرا؟ چون خدا شاگرد ندارد که الان بخواهد معلم شود.

بنابراین اسم‌هایی در قرآن است که شما نمی‌توانی تغییرش بدهی. اصلاً و این اسماء ۱۰۰ تا است. امام صادق^(ع) می‌فرماید: ما ائمه، مظهر ۹۹ اسم خداوند هستیم. خودمان هر ۳ روز یک بار، ختم قرآن می‌کنیم که از آن اسم صدم هم خودمان بهره ببریم. پس دیدید چرا وقتی یک ختم قرآن می‌کنی ۱۰۰ اسم خداوند را به زبان می‌آوری چقدر طاهر و مطهر می‌شوی؟ جایی خواندم عروس امام صادق^(ع) نفیسه خاتون در طول عمرش ۲۰۰۰ ختم قرآن کرده. آیا ما هم می‌توانستیم؟ بله. هر ۳ روز یک ختم قرآن بشود، ۳۶۵ روز می‌شود. ۱۰۰ ختم قرآن، ۱۰ سال می‌شود ۱۰۰/۰۰۰ ختم قرآن. الان شما نذر ایشان می‌کنی حاجت می‌گیری.

از اینجا سر عدد ۱۰۰ در زیارت عاشورا را می‌فهمیم. یعنی در روز عاشورا در کربلا، دشمن به ۱۰۰ اسم خدا پشت کرد امام زمان‌شان را کشتند و یاران ابا عبدالله الحسین علیه‌السلام بر ۱۰۰ اسم خدا روی کردند که شما ۱۰۰ سلام به ایشان می‌دهید. آن‌ها امام زمان‌شان را یاری کردند. برای همین است که شهدای کربلا با احدی از شهدا قابل مقایسه نیستند.

در پاسخ به سؤال یکی از مادران: ما برای این که بخواهیم با شیطان مبارزه کنیم اولاً یک کار تحقیقی به هر کدام از خانم‌ها که مایل به انجام هستند، می‌دهم. ما ۶۹ بار در قرآن اسم "الشیطان" داریم. ۶۹ بار هم "الملائکه" داریم. ملائکه با شیطان هم آوردی می‌کنند، نه مثل زرتشتی‌ها که می‌گویند خدا و شیطان، یعنی جایی که ملائکه باشند شیاطین نمی‌آیند، جایی که شیاطین باشند ملائکه نیستند. برای همین می‌گویند اگر جایی نجس باشد، شیاطین آنجا هستند و ملائکه نیستند، می‌گویند این نجاست را تو می‌توانی جمع‌آوری کنی، این طور نیست که خارج از دست باشد. خانه را طاهر نگه دار. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: نوزاد را در نجاست بگذارید، شیطان او را می‌بوید و خواب بچه به هم می‌خورد!

نماز که قضا می‌شود، شیطان آنجا می‌آید چون دعوتش کرده‌ایم. خودم که می‌توانم باید دفع کنم و یک سری چیزها هست که شیطان به من الهام می‌کند. نمازمان را ما همیشه باید به بهترین وجه انجام دهیم.

اگر من فتوای غلط به تو بدهم، کلیه کارهای تو را روز قیامت از من می‌پرسند. می‌گویند تو چرا فتوای غلط دادی و او این کار را کرد. اگر من الان ناتوانم نمی‌توانم ایستاده نماز بخوانم باید با آداب نشسته بخوانم، الان چون نماز طبیعی‌ام را نشسته می‌خوانم، نماز قضایم را هم باید نشسته بخوانم.

وقتی مراقبت می‌کنید چقدر زندگی‌تان تحول پیدا می‌کند. این تحول خیلی مهم است. خودتان دارید ایجاد می‌کنید. بچه‌ها هم یاد می‌گیرند. می‌بینید بچه‌ها چقدر خوب می‌شوند. بچه‌ها الگوی پدر و مادرند. دقیقاً از همه حرکات شما فیلم‌برداری می‌کنند. اگر مادر تنبل باشد بچه هم تنبل است.

این نشان می‌دهد که بچه‌ها از خودما حرکت را انتخاب می‌کنند. این‌ها هم ان شاء الله از شما تحول را یاد می‌گیرند. حضرت محمد (ص) می‌فرمایند: زنا ما زنای چشم و گوش و پوست است. چشم آدم که کسی را ببیند و او را بخواهد این را زنای چشم برایش می‌نویسند. گوش آدم از نامحرمی لذت ببرد زنای گوش می‌نویسند. در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام داریم که می‌فرمایند: بچه را در نجاست بگذارید شیطان او را می‌بوید و خواب او به هم می‌خورد. شیطان یک موجود حی است. جن است.

سؤال یکی از مادران: اشتباه همسرم را چطور به او بگویم که ناراحت نشود؟ مشکل هم حل شود.

پاسخ: شما بایستی با صحبت زندگی بزرگان گاهی مواقع به همسرانتان الگو بدهید. این الگوها اثر می‌کند. مثلاً صبوری یک استاد، مهربانی یک عالم وارسته‌ای، زندگی این‌ها در کتاب‌ها هست. مثلاً در قالب نماز آیت الله بهجت رفتار او با خانمشان را هم جستجو کنید در اینترنت و به او بگویید.

نوع انتقال مطلب هم مهم است. یک موقع یک چیزی را می‌گویید در فرد تغییر رفتار ایجاد می‌شود، یک موقع یک جور می‌گویید اصلاً انجام نمی‌دهد. ما باید طوری با شوهر صحبت کنیم که ایراد خودش را ایراد نبیند. یک چیز بالاتر بگوییم که به آن سمت بالا حرکت کند. حرکت به سوی کمال را به او نشان بدهیم خودش از اینجا دست بر می‌دارد. منتها، باید زبان عشق شوهرتان را پیدا کنید. چون پیدا نکردید، او را عیب‌دار و ایراددار می‌دانید. بعد هم قرار نیست که همه ایراداتشان برطرف شود. من باید با همان ایرادش با او زندگی کنم. چرا فکر می‌کنید باید همه ایراداتش برطرف شود؟ خیلی از ایرادها اتفاقاً برای من خانم باعث درجه است! مثل خانم‌هایی که همسر جانباز هستند. روز قیامت چقدر این‌ها جایزه دارند. من و تو که شوهرانمان سالم هستند، هیچ جایزه‌ای هم به ما نمی‌دهند و چون این مردی که جانباز است، زنش باید همه کارهایش را بکند. پس بنابر این فکر نکنید شوهر ما باید عوض بشوند. این را از ذهن‌تان بیرون بریزید. فقط اعمال که انجام می‌دهند از خدا دور می‌شوند و باید کمک‌شان کنید. برای همین من روز اول گفتم پذیرش بدون قید و شرط. من گفتم او انجام نداد روز قیامت حساب او را می‌رسند. می‌گویند زنِ تو، به تو گفت. برای همین در قرآن مرتب می‌گویند آیا کسی نیامد شما را انداز کند؟ می‌گویند چرا! می‌گویند پس بروید در جهنم.

تا ابد در جهنم باشید. در سوره مؤمنون بحث خیلی عجیبی است می‌گوید وقتی انسان‌ها می‌میرند تازه می‌گویند:

ای خدا ما را برگردان. کارهایی که نکردیم دیگر از الان به بعد می‌کنیم. می‌فرماید: نه این‌ها کلمه است که می‌گویند، برگردانیم دوباره همان کارهای خودشان را می‌کنند. برزخی هست تا روز قیامت، حالا در صورت دمیده می‌شود. می‌گویند اصل و نسب شما هیچ فایده‌ای ندارد. هر کس عمل صالح آورده باشد به فلاح می‌رسد. آن‌هایی که عملی نداشته باشند یعنی عمل‌شان سبک باشد این‌ها تا ابد در جهنم هستند. صورت‌هایشان رو آتش می‌گیرد در آنجا زشت می‌شوند. بعد به آن‌ها می‌گویند آیا آیات ما را در دنیا برای شما نخواندند شما تکذیب کردید؟ می‌گویند: خدایا، اشتباه کردیم، غلط کردیم. خدایا حالا دیگر ما را بیرون بیاور. اگر ما برگشتیم دو مرتبه سالم هستیم. می‌گویند: خفه شوید، دیگر حرف ننزید دیگر نمی‌توانید برگردید. بنده‌های من در دنیا بودند می‌گفتند خدایا ما را ببخش به ما رحم کن، تو خیرالراحمین هستی. شما آن‌ها را مسخره می‌کردید. به آن‌ها می‌خندیدید. این‌هایی که شما مسخره‌شان می‌کردید، الان ما به ایشان پاداش خیر می‌دهیم.

شما دقت داشته باشید که موقع شناسی اثر بالایی دارد.

اما درباره نماز نوجوان‌ها برایتان بگویم. خانم‌ها، ما با یکی از مادران پسرها این تمرین را کردیم خیلی جواب داد. گفتیم بچه‌ها باید یاد بگیرند که تسبیح حضرت زهرا^(س) جزء نماز است. بنابراین شما که می‌خواهید نماز بخوانید بچه‌ها را جمع کنید. بچه‌ها من الان می‌خواهم بروم نماز بخوانم. اگر کاری دارید الان به من بگویید موقع نماز با من حرف ننزید. بعد گفتم بیایید جوابش را به من بگویید. البته گفتم بعد از نماز هم بچه‌ها را جمع کنید باز یک داستان قشنگی را برایشان بگویید.

یکی از مادران که مثل این که فرزندش کلاس پنجم بود هفته بعد آمد گفت خانم، من بچه‌ها را که جمع کردم، پسر آمد گفت: مامان، من لقمه می‌خوام! می‌گفت من چادر نمازم را در آوردم رفتم آشپزخانه برایش لقمه گرفتم و به او دادم و گفتم بچه‌ها، دیگر کسی با من کار ندارد؟ یکی می‌گوید دفترچه‌ام تمام شد. یکی می‌گوید مداد ندارم، یکی می‌گوید مامان پاک‌کن می‌خوام. همه را انجام دادم. گفتم بچه‌ها موقع تسبیح گفتن با من حرف ننزید. رفتم نمازم را قشنگ با توجه خواندم انگار یک حال خوبی پیدا کردم. نمازم را خواندم تسبیح‌ام را گفتم بعد بچه‌ها را صدا کردم. برایشان قصه گفتم. قصه‌هایی که برای تغییر رفتار بچه‌هاitan هست تنظیم کنید و بگویید. برای نظم‌شان بیدار شدن از خواب‌شان، مثلاً کتابی هست به عنوان **هزار و یک نکته درباره نماز** (انتشارات بین‌الملل) **خیابان فلسطین** یک عالمه داستان دارد.

من یک داستانش را الان برایتان می‌گویم که استفاده کنید.

می‌گویند یک روز فرعون که می‌گفت انار بکم الاعلی، من پروردگار اعلی هستم به درباریان‌ش گفت: کسی با من کار دارد بیاید. یک مردی آمد یک خوشه انگور به او داد گفت این را برای من یاقوت اصل کن! مگر تو خدا نیستی؟ خدا می‌تواند این کار را بکند. گفت برو من به تو خبر می‌دهم. این که بیرون رفت، فرعون گفت: ای وای، من چه کار کنم؟ من که بلد نیستم. بعد به این کاتبانش گفت: در را ببندید. کسی را راه ندهید. بعد این قدر

به فکر فرو رفت چه کار کنم. دید در می زنند. عصبانی شد. گفت: مگر من نمی گویم در نزنید؟ کسی نیاید؟ ابلیس داخل شد. گفت: تو چه جور خدایی هستی؟ که نمی دانی پشت در کیست؟ گفت: تو که هستی؟ گفت: نمی شناسی بیچاره؟ تو مرا نمی شناسی؟ گفت: چرا مزاحم شدی؟ برو بیرون. گفت: من ابلیسم. من اجازه تو را احتیاج نداشتم. آمدم تو بگویم بفرما خدا، آن خوشه انگور را بکن یا قوت اصل! فرعون یک مرتبه ساکت شد گفت: تو که میدانی من نمی توانم! ابلیس گفت: بده به من برای انجام دهم. گرفت و گفتم یک اسم اعظم خدا به ابلیس یاد داده، خوشه انگور را گرفت و آن اسم را خواند و خوشه یا قوت اصل شد. به دست فرعون داد. فرعون گفت: وای این شد یا قوت اصل! گفت: آره، وردار کیفش را بکن! گفت: چرا این کار را کردی؟ گفت: برای این که مردم به تو ایمان داشته باشند و به خدا ایمان نیاورند! آن وقت بیرون رفت.

نماز را که می خوانی، این داستان را بگو. بعد نتیجه گیری کن. بچه ها، ما چطور می توانیم با این ابلیس پست پلید که مردم را در احمق بودن نگه می دارد، بجنگیم؟ بگویید بچه ها، الان به من جواب ندهید. باشد بعد از نماز بعدی ام. اصلاً نمازهای مغرب و عشاءتان را بگذارید برای گپ و گفت با بچه ها راجع به همین مسائل دینی. بچه ها باید نظم پیدا کنند. من یک داستان دیگر به آن خانم یاد داده بودم. بعد می گفت خانم شب که شوهرم آمد، پسر دم دوید رفت دم در، تا در را باز کرد گفت: بابا، امروز مامان یک نماز خوشمزه خواند! اینطوری می شود که بچه ها به نماز، نظم پیدا می کنند. داستانهای راجع به نماز فوق العاده قشنگ است. بگیرید و با این ترتیب، یک نظمی بین خودتان و بچه ها راجع به موعظه فراهم کنید. پس از نماز برای بچه ها موعظه داشته باشید.

سؤال یکی از مادران: من همیشه همین مشکل صدا زدن بچه ها را دارم، موقع تسیحات حضرت زهرا^(س)

پاسخ: خوب، الان یاد گرفتی که به بچه ها باید خبر بدهی بگویی بچه ها، با من کار نداشته باشید. تسبیح جز و نماز است.

سؤال یکی از مادران: وقتی مرد به موقع نفقه نمی دهد و اخلاق ندارد، زن باید صبر کند تا اجرش را خدا به او بدهد، اما اگر زن مشکل جسمانی داشته باشد و مرد خیلی از لحاظ جنسی قوی باشد و باید ...

پاسخ: همه این حرف ها برای این است که چون از نظر جنسی کم می گذاری، او اخلاقش بد است به تونمی دهد. مردها دقیقاً این کارهایشان مثل ترازوست. وقتی مسائل جنسی خراب می شود اخلاق بد می شود و بالعکس. او مشکلتش بر اثر کمبودهای کار خودش است. باید برود خودش را درمان کند یا با غذا خودش را درست کند یا با دارو که الان ویتامینی است می خورند خوب می شوند.

سؤال یکی از مادران: بچه های کوچک من موقع نماز از کمر و کول همسرم بالا می روند و ایشان می گویند عیبی ندارد. اما من می گویم حواسش را پرت نکنید.



پاسخ: این که بچه‌های کوچک از سر و کول مادر و پدر بالا بروند ما نمی‌توانیم حرفی بزنیم. بچهٔ عاقل را داریم می‌گوییم. بچه‌های ۵ ساله‌ای که حرف می‌فهمند. بچهٔ دبستانی حرف می‌فهمد. من خودم الان نوه‌ام که می‌آید تا یک عالمه تصویر رنگی دارم می‌ریزم توی دامنش. می‌پیچم دور دست و پاهایش تا باز کند! تا بخواهد خودش را آزاد کند من نمازم را خوانده‌ام. بچه‌های کوچک را باید سرشان را گرم کنید. حتی بغل کنید با آن‌ها نماز بخوانید.

این که امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: کسی که بچهٔ شیرخواره دارد او را بغل کند با او نماز بخواند.

پایان مبحث

جلسه هشتم سرکار خانم همیز